

در نبود اصحاب فرهنگ هنر اندیشه

شورش علیه روایت پیشرفت ایران

پژمان عرب

سردبیر

”

جریانی که هزاران پیشرفت‌دست‌آورد جوانان ایرانی را کاملاً سانسور و بایکوت می‌کند به محض مشاهده یک اشتباه یا سهل‌انگاری شبیه به ماجرای مستعان، آن چنان علیه تمامیت جمهوری اسلامی و پیشرفت‌های آن هجمه‌هنری رسانه‌ای می‌کند که امر بر جوانان ایرانی مشتبه می‌شود. دارد در یک جامعه عقب‌مانده و بدوی زندگی می‌کند.

ایام پیاده‌روی اربعین، در حرم امیرالمومنین علیه السلام گفت و گوی کوتاه‌م با یک دانشجوی دهه هشتادی با سوال از شغل و رشته دانشگاهی شروع شد.

به خاطر رشته دانشگاهی و لهجه اصفهانی‌اش پرسیدم مجموعه «بهیار صنعت» را می‌شناسد یا نه. نمی‌شناخت. برایش توضیح دادم «بهیار صنعت» یک شرکت‌های تک و غول در حوزه تجهیزات پزشکی است و یکی از محصولاتشان دستگاه پیشرفته شتاب‌دهنده خطی است که برای پروتدهی بیماران سرطانی استفاده می‌شود و فقط چند کشور انگشت‌شمار در دنیا این دستگاه را تولید می‌کنند. شگفت‌زده شد وقتی گفتم الآن هم دارند روی ساخت هواپیمای هشت نفره کار می‌کنند.

طبیعتاً «رويانا»، «حنا» و بقیه گوسفند‌های دانش شبیه‌سازی را هم نمی‌شناخت. از شنیدن اسم شهرش، اصفهان به عنوان محل تولد این گوسفندها به وجد آمد. جرف را رساندم به معرفی دکتر محمدحسین نصر اصفهانی، دانشمند و مدیر پژوهش‌گده رويان اصفهان. گفت و گوی ما ادامه داشت... در روزهای بعد از پیاده‌روی اربعین، کشور دچار بحرانی تازه و دامنه‌دار شد. طی یک ماه گذشته فراز و فرودهای قابل‌تأملی را تجربه کردیم و به نظر من که از زاویه پیشرفت‌ها این جریان را رصد می‌کنم یکی از مهم‌ترین درس‌ها و تجربه‌هایی که می‌شود از این اغتشاشات گرفت دست خالی‌مان در نشان دادن وضعیت واقعی خودمان است. در واقع ما نتوانستیم آن چیزی که هستیم را حداقل به مردم خودمان نشان بدهیم چه برسد به مردم دنیا. مردم ما تقصیری ندارند وقتی برایشان پیشرفت‌ها را روایت نکردیم.

نه در تلویزیون نه در سینما نه در ادبیات و نه در بقیه قالب‌های هنری چیزی نمی‌بینند. ما رسماً در گفتن و نمایش آن چیزی که هستیم با بحران مواجهیم؛ در حالی که از قدیم شیوه مقابله جریان غرب‌گرا با ما مشخص و ثابت است و با تقویت خودتحمیلی و عدم باور به توان‌نخبگان و دانشمندان داخل کشور، مبارزه‌اش را پیش می‌برد. کارویژه اصلی جریان ضد انقلاب و دشمن هم در همه حوزه‌ها و موضوعات، نشان دادن یک زمین سوخته و نابود شده است. این جریان، دشمن امید است حتی در دروازه‌ای.

به عنوان مثال جریانی که هزاران پیشرفت و دست‌آورد و موفقیت جوانان ایرانی را کاملاً سانسور و بایکوت می‌کند به محض مشاهده یک اشتباه یا سهل‌انگاری شبیه به ماجرای مستعان، آن چنان علیه تمامیت جمهوری اسلامی و پیشرفت‌های آن هجمه‌هنری

رسانه‌ای می‌کند که امر بر جوانان ایرانی مشتبه می‌شود دارد در یک جامعه عقب‌مانده و بدوی زندگی می‌کند.

تکلیف این دو جریان با شیوه‌های تکراری مبارزه‌شان مشخص است. منشا یکی در خود تحقیری ملی-تاریخی جریان روشنفکری در صد و سی سال گذشته است. آن یکی هم دشمن است و کارش دشمنی است که اگر غیر از این بود باید تعجب کرد.

اما سوال اساسی، نسبت جریان دلسوز ایران و انقلاب اسلامی با این مسائل است. عمق تأسف و فاجعه اینجاست که حتی جریان باورمند به توانمندی داخل هم فکت عینی، واقعی و ملموس از پیشرفت‌ها و دست‌آورد‌های بی‌شمار کشور ندارد؛ و صرفاً از کلیاتی مثل قدرت دفاعی و توانمندی هسته‌ای و نانویی که در جملات رهبری شنیده است اطلاع دارد.

آشنایی محدود جریان انقلابی، با دست‌آورد‌های رویان هم از این جمله است که باز هم مدیون و وام‌دار خطنگه‌داری تک‌نفره رهبری در ترویج پیشرفت کشور است.

این ضعف و خلأ حساس و حیاتی که جریان فرهنگی هنری رسانه‌ای کشور به آن مبتلا است در حوادث و اتفاقات اخیر به شکل فاجعه‌آمیزتری خود را نشان داد و می‌دهد.

دشمن در این اتفاق هزاران محصول هنری رسانه‌ای تولید کرد که محتوای اکثریت آن‌ها تصویرسازی از یک جامعه عقب‌مانده و پسرقت کرده